

نوجوان باهوش

واژه های مهم

سرشناس: معروف، مشهور	حکمت: دانش و معرفت
شعرا: شاعران	بی نظیر: بی مانند
مکت: درنگ، سکوت	نامی: مشهور
لهجه: شکلی از زبان و گفتار	فلسفه: علم به حقایق موجودات

توضیحات بیت های متن

بیت اول:

به جهان خرم از آنم که جهان، خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

جهان: تمام موجودات
خرم: شادابی

نثر روان: در دنیا، علت شادی من خداوند است که همه از وجود او خوشحال هستند. من عاشق کل این دنیا هستم زیرا کل دنیا از آن خداوند است.

بیت دوم:

به حلاوت بخورم زهر که شاهد، ساقی است
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست

حلاوت: شیرینی
ارادت: علاقه مندی

نثر روان: با شیرینی و علاقه، زهر را می نوشم زیرا معشوق زبیروی من (خدا)، آن را تعارف می کند. با تمام وجود، دردها را تحمل می کنم زیرا که درمان همه دردها، خداوند است.

آشپز زاده وزیر

واژه های مهم

هیاهو: سر و صدا	صدراعظم: نخست وزیر
دست و پا شکسته: ناقص	منشا: محل پیدایش
طراوت: شادابی	هلهله: فریاد شادی

سکوت باغ را شکستن: ← کنایه از به هم زدن آرامش لب گزیدن: ← کنایه از افسوس خوردن
دست و پا شکسته: ← کنایه از ناقص و کم بودن

بیت:

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دلِ رمیده ما را انیس و مونس شد
رمیده بی‌قرار
انیس: همدم
مونس: همدم
نر روان: ستاره‌ای در آسمان هستی، آشکار شد و در این دنیا، ارجمند گردید و برای دل‌های پریشان، یار و همدم شد.

گریه امیر

واژه های مهم

نامدار: معروف، مشهور	ذکاوت: زیرکی، باهوشی
شیوع: آشکار شدن	آبله کوبی: مبارزه با آبله
خرافات: باورهای غلط	واکسینه: واکسن زده شده
جهل: نادانی	رسا: بلند

بر سر زبان ها بودن: ← کنایه از مشهور بودن

دانش زبانی: وابسته پسین « صفت بیانی »

وابسته پسین « صفت بیانی »: در گروه‌های اسمی، کلمه‌ای که بعد از هسته بیاید و صفت باشد، صفت بیانی نام دارد. صفت بیانی درباره ویژگی‌های اسم، توضیحاتی را بیان می‌کند.

صفت بیانی معمولاً پس از هسته می‌آید و وابسته پسین به شمار می‌آید.

مثال:

لباس زیبا « زیبا: صفت بیانی »	گل خوشبو « خوشبو: صفت بیانی »
کلاس بزرگ « بزرگ: صفت بیانی »	دختر باهوش « باهوش: صفت بیانی »